

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینر سون

Torah studies کتاب

از ربی جانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مژدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center

Issue # 50

Parshat Ki Teitzei, 5784

10 Elul, 5784

Sept. 13, 2024



Friday, Sept. 13, Light Shabbat Candles, by 6:43 p.m

Saturday, Sept. 14, Shabbat ends at 7:45 p.m.

(Times are for Los Angeles)

کی تصه

در میان قوانینی که در این پاراشا عنوان می شود بخشی از آن به قوانین طلاق مربوط میشود. این مبحث مفهوم طلاق را هم در رابطه مابین زن و شوهر و هم در رابطه مابین انسان و خداوند مورد بررسی قرار میدهد. گفتارهای حخامیم را در مسحت گیتین در تلمود تجزیه و تحلیل کرده و کلمه طلاق را در قانون یهود مورد بررسی قرار میدهد. مکتب حاسیدوت با تاکیدش بر یافتن ذات رابطه انسان و خداوند و ادعای این مطلب که ذات هستی بر اساس وحدت الهی قرار دارد باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا جدایی و طلاق پدیده ای است واقعی و نهایی و یا ظاهری و سطحی؟

۱- طومار طلاق

در این پاراشا در مورد موضوع طلاق صحبت شده است^۱ و اسنادی که این جدایی را رسمی می کند طومار طلاق (سِفِر کریتوت) خوانده است. این نام دو مطلب متضاد را در بر گرفته است. طلاق، که ایده و عقیده جدایی را میرساند و در واقع کلمه "کریتوت" بصورت قانونی این مفهوم را میرساند^۲ که این اسناد دارای شرایط نهایی هستند و هیچگونه وابستگی را مابین زن و شوهر سابقش باقی نمی گذارند. و کلمه طومار یا سِفِر که بصورت ضمنی این مطلب را به ما میرساند که آن می بایست بنحوی با طومار تورا "سِفِر تورا"، مشابهت داشته باشد به عنوان مثال می بایست بصورت خطوط حساب شده نوشته شده. در ازای آن از بهنای آن بیشتر باشد و^۳ همچون سِفِر تورا سمبل وحدت به حساب آید. بر طبق کلام ربام "تمامی تورا برای آن داده شد که در جهان صلح و آرامش را ایجاد کند".^۴ طومار (سِفِر کریتوت) طلاق، علاوه بر اینها می بایست بر روی یک صفحه یکدست نوشته بشود که خود اشاره ای بر یکی بودن و اتحاد است.^۵

به همین ترتیب این مطلب در این رسم که این طومار طلاق (سِفِر کریتوت) می بایست بصورت دوازده سطر نوشته بشود، با این مطلب که اولین چهار طومار تورا (سِفِر تورا) بوسیله دوازده سطر

۱- دواریم ۱-۲۴ ۲- گیتین ۸۴ ب ۳- طور، شولخان آרוخ "اون هالذر" فصل ۱۲۵

۴- گیتین ۲۰ ب

۵- پایان هیلخوت حنوکا

از هم جدا می شوند مشابهت دارد ۶. و دوباره در اینجا نیز همان مفهوم جدایی و طلاق، با تورا کلام خدای یگانه و فراهم کننده وحدت و یگانگی در مقایسه قرار می گیرد.

۲- ازدواج و طلاق

این تضاد موجود در طلاق در رابطه بسیار نزدیکی که مابین ازدواج و طلاق در قانون یهود وجود دارد نیز دیده میشود.

ازدواج البته ایده وحدت و بایکدیگر بودن را به ما میرساند. "بنابراین مرد می بایست به زن خود ملحق و به یک بدن تبدیل بشوند".^۷ و با این حال قوانین ازدواج در قانون یهود و سه طریقی که ازدواج بوسیله آنها صورت می گیرد از همین پاراشایی که در مورد طلاق صحبت می کند گرفته شده است.^۸ و از طرف دیگر بخشی از تلمود که مربوط به طلاق است «گیتین» با سرزنش کردن عمل طلاق پایان می یابد مکتب "شمای" می گوید که "مرد نمی

بایست زنش را طلاق بدهد مگر آنکه آن زن متهم به بی وفایی نسبت به شوهرش باشد".^۹ حتی مکتب هیلل که در این مورد برای مرد آزادی بیشتری قائل می شود زمانی طلاق را تأیید می کند که ازدواج دومی همراه آن باشد و تلمود اینگونه نتیجه می گیرد که هنگامیکه مردی زنش را طلاق میدهد "حتی قربانگاه خداوند نیز برای او گریه می کند".^{۱۰}

یک چنین مخالفتی با طلاق در بخش آغازین فصل "گیتین" در تلمود نیز دیده میشود این بخش اینگونه شروع می شود که "کسی که طلاقنامه زنی را (که شوهرش) از سرزمین خارج (دور دست) برای آن زن فرستاده است می آورد می بایست اینگونه بگوید که «این طلاق نامه در حضور من نوشته شده است و در حضور من مهر شده است»".^{۱۱}

و این یک شروع غیر معمول تکان دهنده و یک مورد اختصاصی است. اینگونه انتظار میرود که شروع یک فصل مربوط به طلاق با جملاتی نظیر، "زمانی که طلاق اتفاق می افتد" و یا، "چه زمانی باید طلاق داده شود"، و یا "چگونه باید طلاق داده شود" و نظیر آنها شروع شود و بجای آن ما به عنوان سر آغاز یک قانون با یک مورد اختصاصی روبرو میشویم و نه با یک مورد کلی. از آن بیشتر این که فصل "گیتین" با یک مطلب جنبی شروع میشود و نه با موضوع کلی طلاق، با چگونگی فرستادن طلاق نامه بوسیله یک فرستاده که یک مورد غیر معمولی است که در آن

۸- قیدوشین ۲ الف، ۴ ب، ۵ الف

۶- توسفوت آغاز گیتین ۷- برشیت ۲۴

۱۱- میشنا گیتین ۱-۱

۱۰- گیتین ۹۰ ب

۹- میشنا گیتین ۹-۱۰

طلاق نامه از سرزمین خارج (از سرزمین دوردست) برای زن آورده میشود. توضیح آن این است که زمانی که ربی یهودا هناسی کتاب میشنا را تالیف میکرد او این مقدمه بخصوص را برای آغاز فصل مربوط به طلاق انتخاب کرد که به این وسیله ذات و طبیعت واقعی طلاق را برای ما روشن کند. "کسی که طلاق نامه زنی را از سرزمین خارج می آورد... او به این طریق، در واقع این مطلب را به ما میرساند که منشأ طلاق در "سرزمین بیگانه و خارجی" است یعنی در محیط و سرزمینی بیگانه و دور از روحانیت. بدون چنین سرزمینی یعنی حالت بیگانگی مابین مرد و زن، هرگز جدایی مابین آنها بوجود نمی آید. با این کلمات آغازین، ربی یهودا هناسی به ما اشاره می کند که طلاق یک حالت غیر طبیعی است و بعد از اینکه تمامی جزئیات آن را به ما می گوید با کلمات پایانی اش به ما یادآوری می کند که هنوز هم "مرد نمی بایست زنش را طلاق بدهد"...

۳- اسرائیل و خداوند

این مطالب از نظر روحانی دارای اهمیت بیشتری هستند. ازدواج زن و شوهر سمبلی است از رابطه مابین خداوند و یسرائیل^{۱۲} که پیوند مابین آنها در سینه‌ای منعقد شده است. کلماتی که برای قبول ازدواج ذکر می کنیم همان کلماتی است که برای انجام قوانین خداوند بکار می بریم. که "مارا بوسیله فرمانهایت مقدس کردی" و اینک "تو برای من بوسیله این انگشتر برحسب قانون مشه و یسرائیل مقدس شده‌ای".^{۱۳}

در نتیجه زمانی که یسرائیل در گالوت و در بدری^{۱۴} بسر می برد یک چنین حالتی از طلاق را تجربه می کند. در تلمود این داستان آمده است که پیامبر خدا از ملت یسرائیل درخواست می کند که توبه کنند و به سوی خداوند برگشت کنند. یسرائیل ها در جواب اینگونه میگویند که "اگر شوهری زنش را طلاق بدهد آیا آن شوهر می تواند باز هم در مورد آن زن ادعایی بکند؟" به عبارت دیگر آنها می گویند که از آنجا که خداوند یسرائیل ها را در بدر کرده و به گالوت فرستاده است دیگر نمی بایست از آنها انتظار وفاداری داشته باشد و تلمود این جواب را جوابی پیروزمندانه اعلام می کند.

اما چگونه این جواب یک جواب پیروزمندانه است؟ خود تلمود با اشاره به نبوت "یشعیا هناوی" از موضوع بالا نتیجه دیگری می گیرد و خداوند بوسیله یسعیا پیامبر جواب میدهد که "کجاست

۱۲- در واقع تمامی کتاب شیر هشیریم بر اساس این مفهوم نوشته شده است ۱۳- تنیا بخش اول فصل ۴۶ ص ۶۵ ب

طلاق نامه مادر شما که ثابت کند من او را طلاق داده‌ام؟^{۱۵} و در واقع چگونه مابین خداوند و بیسرائل می‌تواند طلاق وجود داشته باشد؟ قانون این است که طلاق زمانی نهائی و کامل میشود که طلاق نامه دست بدست بشود یعنی از مالکیت شوهر خارج شده و به مالکیت زن درآید. ولی هیچ چیز نمی‌تواند از مالکیت خداوند خارج شود چرا که تمامی جهان هستی از آن اوست.

جواب سئوالات بالا در کلمات آغازین فصل طلاق، "گیتین" قرار دارد که منشأ طلاق در سرزمینی است که روح و روحانیت در آن بیگانه هستند. و از آنجا که خداوند در این مکان بیگانه، سرزمینی که خارج از درک و فهم ماست، نیز ساکن است، بعضی اوقات اینگونه بنظر ما می‌آید که او بسیار از ما دور و بیگانه است. و در این زمان است که امکان طلاق در ذهن ما ریشه می‌گیرد. طلاق مابین انسان و خداوند (و مابین زن و شوهر).

معهدا در واقع اینگونه نیست. زیرا زمانی که خداوند می‌گوید که «من حتماً چهره‌ام را پنهان می‌کنم.»^{۱۶} خداوند این حقیقت را به ما می‌گوید که حتی زمانی که چهره او پنهان است ما می‌توانیم من را "ذات و منشاء" را کشف کنیم. طلاق مابین خداوند و بیسرائل یک پدیده ظاهر است. حقیقت، ازدواج و بیوندیست که هرگز گسسته نشده است.

۴- در سرزمین بیگانه

عزیمت خداوند به سرزمین بیگانه نتیجه و حاصل عزیمت خود بیسرائل‌ها به این سرزمین است. بخاطر آنکه همه حوادث و اتفاقاتی که در عالم روح و روحانیت انجام میشود نتیجه آن اعمالی است که ما در این دنیای فیزیکی انجام میدهم.

سرزمین بیگانه به زبان تلمود به معنای مکانی بسیار دور از سرزمین بیسرائل است در عبور از این سرزمین بیگانه و حرکت بطرف سرزمین بیسرائل موانع و مشکلات بسیاری وجود دارد از جمله، دریا و یا چیزهایی شبیه به آن.^{۱۷}

ترجمه و تعبیر این مطلب در قلمرو روحانیت آن است که سرزمین بیسرائل زمین برکت الهی و نشان دهنده خواسته و رضایت خداوند است.^{۱۸} و زمانی که انسان از آن خواسته دور است و موانعی مابین او و خواسته خداوند وجود دارد (فکر و احساس او از این دریای فاصله که در این

۱۵-یشعیا ۱-۵۰ ۱۶-دواریم ۱۸-۳۱ ۱۷-به زبان عبری مدینت هیام به معنای "سرزمین بالای دریاها" می‌باشد
۱۸ رجوع شود به ملاخی ۱۲-۳ برشیت ربا ۸-۵

میان وجود دارد نمی تواند عبور کند) او در سرزمین بیگانه زندگی می کند به این علت که زمانی که انسان خودش را از خداوند دور می کند، خداوند نیز خودش را از او دور می کند.

۵- فرستاده

در این وقت اینگونه ممکن است بنظر آید که زمانی که خداوند چهره اش را پنهان کرده و به سرزمین بیگانه سفر کرده است، سرزمینی که خارج از دسترس ماست، او دیگر قوم خودش را کنار گذارده و خدای ناکرده آنها را طلاق داده است.

اما در مخالفت با این طرز فکر، در میشنا آمده است که "فرستاده ای که طلاق نامه را از سرزمین بیگانه می آورد باید اذعان کند که این طلاق نامه در حضور من نوشته شده و در حضور من مهر شده است". به عبارت دیگر شخص فرستاده می بایست شهادت بدهد که او خودش شوهر آن زن نمی باشد بلکه فقط فرستاده آن شوهر و پیام آور اوست.

در زمینه روحانی و تاریخی این مطلب به این معناست که قدرت های خارجی که بیسرائل ها را شکست داده اند و او را به در بدری و گالوت برده اند نهایتاً خودشان نیز میدانند که آنها تنها فرستادگان خداوند هستند و هیچگونه قدرت و حاکمیتی بر قوم یهود ندارند و بیسرائل همیشه و هنوز بصورت قوم خداوند باقی خواهد ماند. در نتیجه اسناد طلاق هرگز از مالکیت شوهر خارج نشده چرا که چیزی نمی تواند از مالکیت خداوند خارج بشود و آن طلاق یک طلاق واقعی نمی باشد.

۶- ازدواج مقدس

در مورد نوع ارتباط خداوند با بیسرائل ما تا اینجا دو حقیقت را کشف کرده ایم اول آنکه بصورت ظاهر خداوند بیسرائل ها را طلاق داده است دوم آنکه در باطن و درون پیوند خداوند و بیسرائل ها هرگز گسسته نشده و قابل پاره شدن نمی باشد. برای درک بهتر این مطلب ما می بایست ذات و طبیعت ازدواج مابین خداوند و بیسرائل ها را توضیح بدهیم.

در ازدواج بر طبق قانون یهود، اگر چه این شوهر است که زنش را برای خودش مقدس می کند و نه^{۱۹} برعکس ولی این امر تنها با آگاهی و رضایت زن می تواند انجام بشود.^{۲۰}

^{۲۰}- قیدوشین ۲ ب

^{۱۹}- قیدوشین ۵ ب

در سینه‌ای، در زمان ازدواج مقدس خداوند با اسرائیل، خداوند عشق و علاقه‌ای را نسبت به اسرائیل آشکار کرد که این عمل نیز به نوبه خود عشق اسرائیل‌ها را نسبت به خداوند برانگیخت^{۲۱} و خودش را در کلام معروف "او امرت را انجام میدهم و می شنویم" نشان داد. حتی اگر چه این عشق بوسیله خداوند آغاز شد و او بود که آنرا ایجاد کرد این عشق تا آنجا در روح اسرائیل‌ها نفوذ کرد که حقیقتی از وجود و ذات اسرائیل‌ها شد. در این مورد ربام (در هیلخوت گروشین)^{۲۲} می گوید "هر فرد یهودی مایل است که همه فرمان‌های خداوند را انجام دهد و خودش را از گناه بدور نگاه دارد" و او تنها زمانی گناه می کند که این تمایل اساسی بوسیله یک خواسته ظاهری دیگری پوشیده شود. عشق فرد یهودی نسبت به خداوند دائمی و همیشگی است این عشق ممکن است که موقتا پنهان بشود ولی هنوز در مخفیگاه خود شعله ور و سوزان است همین موضوع در مورد عشق خداوند نسبت به اسرائیل هم صادق است. سایه سیاه در بدری و گالوت ممکن است این عشق را بپوشاند ولی آنرا هرگز خاموش نمی کند.

به این ترتیب گالوت یک طلاق نیست، بلکه مخفی گاه پنهانی عشق است. به همین علت است که زمانی که در بدری و گالوت پایان می یابد این عشق دوباره خودش را آشکار می کند. در این زمان خداوند و اسرائیل‌ها دیگر نیازی به سینه‌ای جدیدی ندارند یعنی نیازی به دوباره ازدواج کردن نیست. بخاطر آنکه ازدواج اول هرگز پایان نیافته است.

۷-عشق درونی و عشق ظاهری

موضوع عمیق تر دیگری هم وجود دارد. نه تنها دوری اسرائیل از خداوند و در بدری آنها یک پدیده ظاهر است و واقعیتی ندارد بلکه این گالوت و دوری عشق عمیق ما بین آنها را آشکار می کند. قبل از جدایی، ممکن بود اینگونه تصور کنیم که عشق خداوند نسبت به اسرائیل منوط به شروط خاصی است و بستگی به انجام خواسته خداوند از طرف آنها دارد. اما در گالوت و در در بدری این مطلب که (قربانگاه خداوند نیز اشک میریزد) نشان دهنده غم و غصه خداوند است و بیان کننده عشقی است بدون شرط، عشقی که متعلق به ذات و منشأ وجود هم خداوند و هم اسرائیل‌ها میباشد.

به این ترتیب بخش «گیتین» به این علت پایان می یابد که نشان بدهد که^۳ «او همدم تو وزن رسمی تو است» و در تحلیل نهایی طلاق ظاهری اسرائیل بوسیله خداوند تنها آشکار کننده این حقیقت

Aish Tamid Parshat Ki Teitzei, 5784

است که بیسرائل ها همچون همسر رسمی و قانونی خداوند هستند و غیر قابل تعویض و تغییر می باشند.

۸- معنای گالوت

اینک ما اهمیت این مطلب را درک می کنیم که اگر چه سفر تورا ممکن است بر روی طومارهای یکدست ولی متعددی نوشته بشود که به هم دوخته شده اند. طلاق نامه می بایست بر روی یک تیکه یکدست نوشته شده باشد.

برای آنکه، گالوت و در بدری، این طلاق و دوری ظاهری، آنچنان وحدتی را مابین خداوند و بیسرائل ها نشان میدهد که عمیق تر و موثر تر از وحدتی است که در زمان اهداء تورا مابین خداوند و آنها بوجود آمد.

در سینای عشق خداوند نسبت به بیسرائل ها ظاهر گردید. ولی این عشق دستخوش دگرگونی های زمان نیز شد. اما در گالوت آنچه هست آن عشق عمیق و ذاتی است که اگر چه بعضی اوقات پنهان شده است ولی همیشه وجود دارد و همیشه زنده است.

به همین علت است که پاراشای «کی تصة» و قسمت مربوط به طلاق همیشه در هفت هفته تسلی بعد از نهم آو خوانده میشود و علت خواندن آن در این زمان آن است که نشان بدهد که این تصور که خداوند بیسرائل ها را فراموش کرده است واقعی نیست و حقیقت ندارد. بلکه برعکس این گالوت و در بدری عشقی را ایجاد می کند که دائمی و ابدیست. و همانگونه که در تلمود موضوع طلاق بوسیله موضوع ازدواج دنبال میشود به همین ترتیب این گالوت روحانی ما بوسیله آشکار شدن عشق ذاتی خداوند به بیسرائل ها دنبال خواهد شد.

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 9, pp. 143-151)

(منبع لیکوتی سیخوت جلد نهم ص ۱۴۳ الی ۱۵۱)

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>